

المجلسی (م. ۱۱۱۱ق.)، به کوشش رسولی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ المصنّف: ابن ابی شیبّه (م. ۲۳۵ق.)، به کوشش سعید محمد، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ المصنّف: عبدالرزاق الصنعانی (م. ۲۱۱ق.)، به کوشش حبیب الرحمن، المجلس العلمی؛ معجم مقاییس اللغة: ابن فارس (م. ۳۹۵ق.)، به کوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ق؛ الشرح الكبير: عبدالرحمن بن قدامة (م. ۶۸۲ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ المقنّع: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، قم، مؤسسه الامام الهادی علیه السلام، ۱۴۱۵ق؛ المقنّع: المفید (م. ۴۱۳ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۰۴۱ق.)، قم، آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۲ق.

محمد اکبری کارمزدی



استقبال حجر ← استقبال (۲)

استقرار حج: ثبوت حج بر عهده مکلف

به سبب ترک آن پس از استطاعت

استقرار از ریشه «ق - ر - ر» به معنای جای گرفتن، آرام گرفتن و ثبوت است.^۱ مقصود از استقرار حج در اصطلاح فقیهان شیعه^۲ و

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۷؛ لسان العرب، ج ۵، ص ۸۴-۸۶، «قرر».

۲. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۱۰۲؛ الروضة البهیة، ج ۲، ص ۱۷۲.

الحلی (م. ۷۲۶ق.)، قم، آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۴ق؛ تهذیب الاحکام: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش؛ جواهر الکلام: النجفی (م. ۱۲۶۶ق.)، به کوشش قوچانی و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ الحدائق الناضره: یوسف البحرانی (م. ۱۱۸۶ق.)، به کوشش آخوندی، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۳ش؛ الدروس الشرعیة: الشهید الاول (م. ۷۸۶ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق؛ الروضة البهیة: الشهید الثاني (م. ۹۶۵ق.)، به کوشش کلاتر، قم، داوری، ۱۴۱۰ق؛ ریاض المسائل: سید علی الطباطبائی (م. ۱۲۳۱ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق؛ سبل السلام: الکحلانی (م. ۱۱۸۲ق.)، مصر، مصطفى البابی، ۱۳۷۹ق؛ السرائر: ابن ادریس (م. ۵۹۸ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق؛ سنن الترمذی: الترمذی (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش عبدالوهاب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۲ق؛ علل الشرایع: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش بحر العلوم، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ق؛ الفقه الاسلامی وادلتة: وهبة الزحیلی، دمشق، دار الفکر، ۱۴۱۸ق؛ الکافی: الکلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ کتاب الحج: محاضرات الخوئی (م. ۱۴۱۳ق.)، الخلیف، قم، مدرسة دار العلم، ۱۴۱۰ق؛ کفایة الاحکام (کفایة الفقه): محمد باقر السبزواری (م. ۱۰۹۰ق.)، اصفهان، مدرسة صدر مهدوی؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزة، ۱۴۰۵ق؛ لغت نامه: دهخدا (م. ۱۳۳۴ش.) و دیگران، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش؛ المبسوط فی فقه الامامیه: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش بهبودی، تهران، المكتبة المرتضویه؛ المبسوط: السرخسی (م. ۴۸۳ق.)، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۶ق؛ المجموع شرح المذهب: النووی (م. ۶۷۶ق.)، دار الفکر؛ مرآة العقول:

اهل سنت^۱ ثبوت حج بر عهده مکلف در صورت ترک حج با فراهم بودن شرایط وجوب در زمانی معین است. مهم ترین نتیجه استقرار حج آن است که حتی با انتفای شرایط وجوب، گزاردن حج در زمان زندگانی بر شخص واجب است و اگر وی در زمان حیاتش آن را به جا نیاورد، واجب است پس از مرگش به نیابت از او حج گزارده شود.^۲ بر پایه حدیث های شیعه^۳ و نظر مشهور فقیهان امامی^۴ به تأخیر انداختن حج پس از تحقق شرایط وجوب از جمله استطاعت جایز نیست و گناه به شمار می رود. از میان فقیهان اهل سنت، برخی به «فور» و شماری به «تراخی» باور دارند.^۵

در این که بر جای ماندن شرایط وجوب تا چه هنگام مایه استقرار حج می شود، دیدگاه هایی گوناگون در فقه اسلامی مطرح شده است. به باور مشهور فقیهان امامی، استمرار آن تا هنگامی که انجام دادن همه مناسک حج در آن ممکن باشد، یعنی روز دوازدهم ذی حجه، مبنای استقرار حج است.^۶

برخی نیز بر جای ماندن شرایط را تا هنگامی که انجام دادن ارکان حج در آن امکان دارد، کافی دانسته اند.^۷ گروهی دیگر زمانی را معیار دانسته اند که در آن، امکان احرام و ورود به حرم باشد.^۸ شماری از فقیهان بقای استطاعت را تا بازگشت حاجیان و بر جای ماندن شرایطی چون عقل و حیات را تا پایان مناسک، شرط استقرار حج بر شمرده اند.^۹ این دیدگاه از سخن برخی شافعیان نیز استنباط می شود.^{۱۰} در برابر، شماری دیگر از اهل سنت، بر جای ماندن استطاعت و شرایط دیگر را تا هنگام امکان گزاردن حج، کافی دانسته اند.^{۱۱} پایه نظر شماری از حنفیان، داشتن استطاعت مالی هنگام بیرون رفتن کاروان از وطن، ملاک استقرار حج است.^{۱۲}

گفتنی است که احکام مربوط به استقرار حج شامل عمره نیز می شود. گاه هم حج و هم عمره بر عهده مکلف استقرار می یابند و گاه یکی از آن دو مستقر می گردد.^{۱۳} در حکم یاد

۷. المذهب البارع، ج ۲، ص ۱۲۴؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۴۳.

۸. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۱۰۲؛ کفایة الاحکام، ج ۱، ص ۲۸۴-۲۸۵.

۹. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۸۴؛ معتمد العروه، ج ۱، ص ۲۹۲؛ کلمة التقوی، ج ۳، ص ۹۴-۹۵.

۱۰. فتح العزیز، ج ۷، ص ۳۱-۳۲؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۰۹-۱۱۰.

۱۱. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۱۶.

۱۲. المبسوط، سرخسی، ج ۲، ص ۱۷۴؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۲۲.

۱۳. کشف اللثام، ج ۵، ص ۱۲۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۳۱۳؛

العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۵۶.

۱. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۱۶؛ المجموع، ج ۷، ص ۸۸.

۲. المغنی، ج ۳، ص ۲۰۱؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۳۱۳-۳۱۴.

۳. نک: وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۵-۳۲.

۴. المقنعه، ص ۲۸۵؛ الخلاف، ج ۲، ص ۲۵۷-۲۵۸؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۲۳-۲۲۵.

۵. المغنی، ج ۳، ص ۱۹۵؛ روضة الطالبین، ج ۲، ص ۳۰۷؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۲۱.

۶. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۷؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۵۴.

شده، تفاوتی میان گونه‌های حج (تمتع، قران و افراد) نیست.^۱

اسباب استقرار حج: رایج‌ترین و

مهم‌ترین سبب استقرار حج، کوتاهی و اهمال مکلف در گزاردن حج واجب پس از حصول شرط وجوب است. بسیاری از فقیهان پیشین^۲ و متأخر^۳ اهمال مکلف را شرط تحقق استقرار حج دانسته‌اند. نذر و بذل حج نیز ممکن است به استقرار حج بینجامد؛ زیرا به باور بسیاری از فقیهان، ترک حج نذری به رغم توانایی بر آن، موجب استقرار حج است.^۴ به باور شماری از فقیهان، با نپذیرفتن حج بذلی از سوی مکلفی که با دریافت هزینه حج مستطیع می‌شود، حج بر عهده او استقرار می‌یابد.^۵ نیز به باور شماری از فقیهان، اگر مالی برای گزاردن حج به دو تن یا بیشتر بذل شود تا یکی از آنان حج بگزارد، اگر هیچ یک از آن‌ها این کار را انجام ندهد، حج بر یکایک آن‌ها مستقر می‌گردد.^۶ در صورت امکان

حج گزاری پس از زوال احصار^۷ (احصار و صد) و نیز پس از امکان آن در فرض بالغ شدن مکلف پیش از وقوف^۸، حج بر شخص استقرار می‌یابد.

کوتاهی در فراهم ساختن مقدمات سفر حج نیز از مصداق‌های اهمال به شمار می‌رود.^۹ بر این اساس، خودداری از ثبت نام برای حج، گاه موجب استقرار آن می‌شود.^{۱۰} مورد دیگر، استطاعت در حال ارتداد^{*} است که به باور بسیاری از فقیهان شیعه^{۱۱} و اهل سنت^{۱۲} موجب استقرار حج است و مرتد باید پس از توبه کردن، حج را به هر صورت ادا نماید. نیز هرگاه شخص ناتوان از گزاردن حج، از گرفتن نایب سر باز زند، حج بر عهده او استقرار می‌یابد.^{۱۳}

اگر در یک سال چندین کاروان عازم حج باشند، به باور برخی از امامیان واجب است حج گزار با نخستین کاروان عازم حج شود و اگر به سبب تأخیر، از گزاردن حج در آن سال

۱. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۵۶؛ تعالیق مبسوطه، ج ۸، ص ۲۱۲؛ معتمد العروه، ج ۱، ص ۲۹۴-۲۹۵.
۲. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۷؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۱۱۳؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۶۷.
۳. معتمد العروه، ج ۱، ص ۲۱-۲۲؛ تعالیق مبسوطه، ج ۸، ص ۳۷-۳۸؛ فقه الحج، ج ۱، ص ۳۵۴.
۴. المجموع، ج ۸، ص ۴۹۴؛ کفایة الاحکام، ج ۱، ص ۲۸۶؛ الحدائق، ج ۱۴، ص ۲۰۳.
۵. مناهج الاخیار، ج ۳، ص ۳۰۷؛ معتمد العروه، ج ۱، ص ۱۵۸.
۶. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۰۵.

۷. المجموع، ج ۸، ص ۳۰۶.
۸. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۴۰؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۰۱.
۹. مناسک الحج، فاضل، ص ۱۱۳؛ مناسک الحج، وحید، ص ۸؛ مناسک الحج، شبیری، ص ۸.
۱۰. آراء المراجع فی الحج، ج ۲، ص ۲۴؛ توضیح المناسک، ص ۱۳-۱۴.
۱۱. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۴۸-۴۴۹؛ معتمد العروه، ج ۳، ص ۱۱۶.
۱۲. المجموع، ج ۷، ص ۱۹؛ الاقناع، ج ۱، ص ۲۳۱.
۱۳. البیان فی مذهب الشافعی، ج ۴، ص ۳۹-۴۲؛ سفینة النجاة، ج ۲، ص ۱۴۹.

بازماند، حج بر عهده او مستقر می‌شود.^۱ شماری از فقیهان با آن که تأخیر را در این فرض جایز دانسته‌اند، در صورت بازماندن از حج، به استقرار حج حکم کرده‌اند.^۲ به باور اینان، مناسک استقرار حج، امکان واقعی حج‌گزاری است، نه عصیان یا اهمال در ترک آن.^۳ در برابر، شماری از فقیهان امامی به استناد شرط بودن کوتاهی حج‌گزار در تحقق استقرار، این دیدگاه را نپذیرفته‌اند.^۴

به تصریح شماری از فقیهان امامی، سهل‌انگاری در استقرار حج، در شخص جاهل و غافل نیز شرط است.^۵ اما به باور شماری دیگر، جهل و غفلت از وجوب حج، مانع از استقرار آن نیست.^۶ حتی به نظر شماری از فقیهان، گاه اعتقاد به واجب نبودن حج نیز مانع استقرار حج نیست. مثلاً اگر شخص بالغی به پندار بالغ نشدن خود، حج را ترک کند، حج بر عهده‌اش مستقر می‌شود.^۷ در این فرض، برخی از آن رو که انجام ندادن حج به عذر اعتقاد به نبود شرایط، مستند بوده، استقرار حج

را نپذیرفته‌اند.^۸ همچنین به تصریح شماری از فقیهان امامی، ترک حج با اعتقاد به وجود مانع شرعی یا واجبی مهم‌تر، اگر خلاف آن ثابت شود، موجب استقرار حج است.^۹

شماری از فقیهان امامی در صورت جهل یا غفلت شخص از استطاعت مالی خود، این جهل یا غفلت را مانع استقرار حج ندانسته‌اند.^{۱۰} اگر جهل و غفلت مکلف ناشی از تقصیر و کوتاهی او یا از گونه جهل بسیط باشد، برخی به استقرار حج حکم داده‌اند.^{۱۱} به باور شماری از فقیهان اهل سنت نیز جهل به استطاعت مالی مانع استقرار حج نیست.^{۱۲} همچنین گروهی از آنان ترک حج به گمان وجود مانع در مسیر را، اگر خلاف آن ثابت شود، موجب استقرار حج شمرده‌اند.^{۱۳} حتی برخی از ایشان بر آنند که امنیت راه حج و امکان پیمودن آن از شرایط گزاردن حج است، نه از شرایط وجوب آن. از این رو، ناامن بودن مسیر، مانع استقرار حج نیست.^{۱۴} همانند این دیدگاه در فقه امامی نیز دیده

۱. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۴۴؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۱؛ مصباح الهدی، ج ۱۱، ص ۲۴۳.
 ۲. المرتقی، ج ۱، ص ۳۵؛ مدارک العروه، ج ۲۴، ص ۴۹.
 ۳. معتمد العروه، ج ۱، ص ۲۱-۲۲؛ مناسک الحج، وحید، ص ۸؛ مناسک الحج، سیستانی، ص ۷-۸.
 ۴. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۸۶؛ تفصیل الشریعه، ج ۱، ص ۱۵۶.
 ۵. مناسک الحج، وحید، ص ۲۲-۲۳.
 ۶. مصباح الهدی، ج ۱۲، ص ۵.
 ۷. معتمد العروه، ج ۱، ص ۲۲۰-۲۲۱.

۸. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۲۱؛ تفصیل الشریعه، ج ۱، ص ۲۶۶.
 ۹. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۸۷؛ تفصیل الشریعه، ج ۱، ص ۱۵۶.
 ۱۰. معتمد العروه، ج ۱، ص ۱۳۶؛ الحج فی الشریعه، ج ۱، ص ۱۶۳-۱۶۴؛ مناسک الحج، وحید، ص ۲۳.
 ۱۱. تحفة المحتاج، ج ۴، ص ۳۲.
 ۱۲. المجموع، ج ۷، ص ۶۵.
 ۱۳. نک: فتح العزیز، ج ۷، ص ۳۰؛ حاشیه رد المحتار، ج ۲، ص ۴۵۸.
 ۱۴. کلمة التقوی، ج ۳، ص ۶۸-۶۹.

بر او واجب است، مگر آن که این کار موجب عسر و حرج سخت گردد که به باور بسیاری از فقیهان امامی، به پشتوانه قاعده لا حرج، گزاردن حج بر او واجب نیست.^۷ البته شماری از آنان در این صورت نیز به لزوم گزاردن حج باور دارند؛ بدین استناد که این حرج از اختیار ناروای خود مکلف پدید آمده است.^۸ حتی برخی گفته‌اند: لازم است مکلف با کوشش یا پذیرفتن هدیه، استطاعت خود را برای گزاردن حج باز یابد.^۹ شماری از فقیهان اهل سنت نیز تلاش برای فراهم ساختن توشه سفر را بر کسی که حج بر عهده او استقرار یافته، واجب شمرده و در صورت ناتوانی از فراهم کردن آن، تأمین هزینه سفر را از محل مصرف زکات و صدقه، بر او لازم دانسته‌اند.^{۱۰}

۲. به باور شماری از فقیهان امامی، هرگاه کسی که حج بر عهده‌اش استقرار یافته، بر اثر تنگی وقت، فرصت به جا آوردن عمره تمتع را نداشته باشد، واجب است به حج افراد عدول کند و اعمال آن را انجام دهد. اما نبود وقت پیش از استقرار حج، چنین حکمی را در پی ندارد؛ زیرا مکلف فاقد استطاعت

۷. کتاب الحج، قمی، ج ۱، ص ۲۵۵؛ مصباح الهمدی، ج ۱۲، ص ۶۰

۸. کتاب الحج، قمی، ج ۱، ص ۲۵۵؛ مصباح الهمدی، ج ۱۲، ص ۶۰

۹. نهاية المحتاج، ج ۳، ص ۲۴۷؛ تحفة المحتاج، ج ۴، ص ۲۰.

۱۰. نهاية المحتاج، ج ۳، ص ۲۴۷؛ تحفة المحتاج، ج ۴، ص ۲۰.

می‌شود.^۱ البته بیشتر فقیهان به سبب آن که بیم از ضرر را در این گونه موارد، مانع تحقق استطاعت امنیتی دانسته‌اند، به استقرار حج باور ندارند.^۲ به تصریح شماری از فقیهان امامی، در مواردی که حفظ استطاعت مالی بر مکلف واجب باشد، اگر وی بدون عذر استطاعت خود را از میان ببرد، حج بر عهده او مستقر می‌شود.^۳

◀ **آثار استقرار حج:** پس از استقرار حج، احکام گوناگون بر عهده مکلف یا دیگران نهاده می‌شود که مهم‌ترین موارد آن بدین قرارند:

۱. گزاردن حج بر کسی که حج بر عهده او استقرار یافته، لازم است، حتی اگر استطاعت شرعی را از دست بدهد.^۴ به دیگر سخن، تنها وجود استطاعت عقلی برای کسی که حج بر او مستقر شده، کافی است و استطاعت شرعی لازم نیست. از این رو، به تصریح فقیهان امامی^۵ و شماری از فقیهان اهل سنت^۶ گزاردن حج در حال تنگدستی و حتی به صورت پیاده

۱. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۲۰؛ مهذب الاحکام، ج ۱۲، ص ۱۱۴.

۲. صراط النجاة، ج ۱، ص ۲۱۰؛ التهذیب فی المناسک، ج ۱، ص ۹۰؛ الحج فی الشریعه، ج ۱، ص ۲۹۱.

۳. المجموع، ج ۷، ص ۷۲؛ تحفة المحتاج، ج ۴، ص ۱۹.

۴. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۱۱۴؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۳۱۳-۳۱۴.

۵. مناسک الحج، خوئی، ص ۳۳؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۴۰؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۳۲.

۶. المغنی، ج ۳، ص ۲۰۱؛ الفتاوی الهندیه، ج ۱، ص ۲۱۷.

زمانی است.^۱

۳. کسی که بر اثر حصر از احرام بیرون آمده، اگر حج بر او مستقر شده باشد، قضای آن در سال دیگر بر او واجب است. ولی اگر حج بر عهده محصور استقرار نیافته باشد، وی تنها با بقای استطاعت تا سال بعد، باید در آن سال حج بگذارد.^۲

۴. به باور مشهور امامیان^۳ هرگاه کسی که حج بر عهده‌اش مستقر شده، به عللی چون بیماری و پیری، از گزاردن حج کاملاً ناتوان گردد، لازم است برای گزاردن حج نایب بگیرد. شماری از فقیهان این کار را حتی اگر نیازمند هزینه بسیار باشد، واجب شمرده‌اند.^۴ شماری از فقیهان اهل سنت نیز گرفتن نایب را بر کسی که از گزاردن حج مستقر ناامید شده، واجب دانسته‌اند.^۵ بر پایه دیدگاه منسوب به مالک بن انس، در این صورت، استنابه واجب نیست.^۶ پس از ادا شدن حج نیایی، اگر بر حسب اتفاق، عذر مکلف از میان برود، به باور مشهور فقیهان

امامی^۷ و برخی از اهل سنت^۸ وی باید خود نیز حج به جا آورد. شماری دیگر حج نیابتی را در این حال کافی دانسته‌اند.^۹

۵. هرگاه شخصی که حج بر عهده‌اش استقرار یافته، دچار جنون شود، لازم نیست ولیّ او وی را به حج ببرد. اما اگر او را به حج ببرد و مجنون تا زمان وقوف بهبودی نیابد، ولیّ وی ضامن هزینه‌های سفر او است و اگر پیش از وقوف بهبودی یابد، ضامن نیست.^{۱۰}

گروهی از شافعیان نیز در فرض بهبودی مجنون در زمان احرام، وقوف، طواف و سعی، ولیّ را ضامن مخارج او نمی‌دانند.^{۱۱} از آنجا که حج پس از استقرار، ذینی الهی شمرده می‌شود و مانند دیگر دیون شخصی با جنون ساقط نمی‌گردد، لازم است پس از مرگ مجنون، از اموال او برایش حج به جا آورند.^{۱۲}

البته شماری از فقیهان در صحت نیابت از مجنون، جز در فرض استقرار حج بر او، تردید کرده‌اند.^{۱۳}

۶. اگر کسی پس از استقرار حج، خود

۱. تفصیل الشریعه، ج ۲، ص ۱۱۰.

۲. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۳۴؛ معتمد العروه، ج ۱، ص ۲۴۲؛ فقه

الصادق، ج ۹، ص ۱۶۴-۱۶۵.

۳. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۳۴؛ معتمد العروه، ج ۱، ص ۲۴۲؛ فقه

الصادق، ج ۹، ص ۱۶۴-۱۶۵.

۴. حاشیه رد المحتار، ج ۲، ص ۴۵۹.

۵. البحر الرائق، ج ۲، ص ۵۴۶؛ الفتاوی الهندیه، ج ۱، ص ۲۱۸.

۶. كشف المشكل، ج ۲، ص ۳۲۴؛ فتح العزيز، ج ۷، ص ۴۴.

۷. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۸۶؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۳۵.

۸. الفتاوی الهندیه، ج ۱، ص ۲۱۸؛ البحر الرائق، ج ۲، ص ۳۳۵.

۹. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۳۶-۴۳۷.

۱۰. الدروس، ج ۱، ص ۳۰۷؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۴۱.

۱۱. فتح العزيز، ج ۷، ص ۴۲۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۸.

۱۲. معتمد العروه، ج ۲، ص ۲۴؛ التهذيب فی المناسک، ج ۱،

ص ۲۱۱؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۵۳۷.

۱۳. معتمد العروه، ج ۲، ص ۲۴؛ مناسک الحج، وحید، ص ۱۱.

یا حج میقاتی، اختلاف دیدگاه دارند. بر پایه نظر مشهور امامیان^۸ و به تصریح برخی از اهل سنت، حج میقاتی^{*} کافی است، مگر آن که شخص به حج بلدی^{*} وصیت کرده باشد. در این صورت، هزینه افزون بر مخارج حج میقاتی از ثلث تأمین می‌شود.^۹ در برابر، برخی در صورت گنجایش مال، به وجوب حج بلدی باور دارند.^{۱۰} به باور شماری از فقیهان امامی، اگر مال فرد میت که حج بر عهده او استقرار یافته، نزد شخصی به امانت سپرده شده باشد و او بداند که وارثان میت از جانب او حج نمی‌گذارند، جایز است به مقدار اجرت نیابت حج از آن مال نگهدارد و باقی مانده را به ورثه بازگرداند.^{۱۱}

بر پایه برخی دیدگاه‌های فقهی، انجام دادن حج به نیابت از میت، در این موارد لازم نیست:

أ. به باور مشهور در فقه امامی، هرگاه کسی که حج بر عهده اش مستقر شده، پس از بستن احرام و ورود به حرم بمیرد، حج از عهده او برداشته می‌شود.^{۱۲} بر پایه نظر اندکی از

موفق به گزاردن حج یا نایب گرفتن برای خویش نشود، لازم است برای به جا آوردن حج وصیت کند.^۱ اگر وصیت نکند، به باور فقیهان امامی^۲ و شماری از فقیهان اهل سنت^۳ به پشتوانه روایات^۴ پس از مرگ او، بر وارثانش واجب است از اصل مال او، نه از ثلث آن، برایش نایب بگیرند. در برابر، ابوحنیفه و مالک وجوب نایب گرفتن بر وارثان را جز در صورت وصیت شخص، نپذیرفته و در صورت وصیت نیز بر آنند که حق نیابت از ثلث مال وی هزینه می‌شود.^۵ ناقدان این نظر به حدیث‌هایی از پیامبر ﷺ^۶ استناد کرده‌اند که حج را دینی الهی دانسته و گزاردن آن را از جانب متوفا لازم شمرده است.^۷

باورمندان به وجوب استنابه از میت، در این که آیا باید برای او حج بلدی گزارده شود

۱. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۰۳.

۲. التنقیح الرائع، ج ۱، ص ۴۱۹؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۱۰۰؛ معتمد العروة، ج ۱، ص ۳۱۸.

۳. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۱۶؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۹۶؛ کشاف القناع، ج ۲، ص ۴۵۶.

۴. وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۷۱-۷۴.

۵. نک: المغنی، ج ۳، ص ۱۹۶؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۲۴؛ الذخیره، ج ۳، ص ۱۸۰؛ تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۲۸.

۶. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۶؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۸۹؛ السنن الکبری، ج ۴، ص ۲۵۶.

۷. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۱۷؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۹۵؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۴؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۱۲.

۸. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۰۰-۳۰۱؛ جواهر الکلام، ج ۱۷،

ص ۳۲۰؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۷۲.

۹. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۵۷۵.

۱۰. الحدائق، ج ۱۴، ص ۱۸۶؛ نک: العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۶۳؛ معتمد العروة، ج ۱، ص ۳۱۸.

۱۱. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۰۳؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۷۲.

۱۲. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۴۱؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۱۰۱؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۹۵.

امامیان، وقوع مرگ پیش از ورود به حرم موجب برداشته شدن حج نیست.^۱ به باور برخی از شافعیان^۲ و حنبلیان^۳ اگر حج گزار در اثنای گزاردن مناسک حج بمیرد، به جا آوردن حج از جانب او از همان جا که مرده، لازم است.

ب. هرگاه از جانب متوفا حج تبرّعی بگزارند، به تصریح بسیاری از فقیهان امامی^۴ و اهل سنت^۵ حج از عهده متوفا برداشته می شود و بر وارثان استنباه لازم نیست. (← حج تبرعی)

ج. از دیدگاه فقه امامیان^۶ و اهل سنت^۷ اگر مال بر جای مانده از متوفا کفاف هزینه حج را ندهد، حج گزاردن از جانب او مستحب است، نه واجب.

نیز اگر دارایی متوفا برای پرداخت هزینه حج و دیگر دیون او کافی نباشد، به باور شماری از فقیهان امامی، مال بر جای مانده به نسبت ارزش میان هر دو دین قسمت

می شود.^۸ در این صورت، برخی از شافعیان حج را مقدم داشته اند.^۹ همچنین اگر اموال متوفا هم برای گزاردن حج و هم عمره کافی نباشد، شماری از فقیهان گفته اند: وارثان در گزاردن هر یک از آن دو به نیابت از او حق انتخاب دارند.^{۱۰} اما شماری دیگر حج را برتر دانسته اند.^{۱۱}

◀ منابع

آراء المراجع فی الحج: به کوشش علی افتخاری، قم، مشعر، ۱۴۲۸ق؛ اسنی المطالب فی شرح روض الطالب: زکریا انصاری، به کوشش محمد محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق؛ الاقنعا: الشربینی (م. ۹۷۷ق)، بیروت، دار المعرفه؛ البحر الرائق: ابونجیم المصري (م. ۹۷۰ق)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ بدائع الصنائع: علاء الدین الکاسانی (م. ۵۸۷ق)، پاکستان، المكتبة الحبییه، ۱۴۰۹ق؛ البیان فی مذهب الشافعی: یحیی بن ابی الخیر العمرانی (م. ۵۵۸ق)، به کوشش النوری، جده، دار المنهاج، ۱۴۲۱ق؛ تحریر الاحکام الشرعیه: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق)، به کوشش بهادری، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع)، ۱۴۲۰ق؛ تحریر الوسیله: امام خمینی (ع)، (م. ۱۳۶۸ش)، نجف، دار الکتب العلمیه، ۱۳۹۰ق؛ تحفه الفقهاء: علاء الدین السمرقندی (م. ۵۳۹/۵۳۵ق)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ تحفه المحتاج فی

۸. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۰۱؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۷.

۹. المجموع، ج ۶، ص ۲۳۱؛ ج ۷، ص ۱۱۰.

۱۰. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۳۱۵.

۱۱. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۸۲.

۱. المقنعه، ص ۴۴۵؛ النهایه، ص ۲۸۴.

۲. المجموع، ج ۷، ص ۱۳۵.

۳. المغنی، ج ۳، ص ۱۹۶-۱۹۷؛ الکافی فی فقه الامام احمد، ج ۱، ص ۴۷۱؛ الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۱۸۸.

۴. المختصر النافع، ج ۱، ص ۷۸؛ ریاض المسائل، ج ۶، ص ۹۰؛ مصباح الهدی، ج ۱۲، ص ۸۱.

۵. المجموع، ج ۷، ص ۱۱۰؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۵۶.

۶. الدروس، ج ۱، ص ۳۲۵؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۷۴-۴۷۵.

۷. المجموع، ج ۷، ص ۱۱۰؛ تحفه المحتاج، ج ۴، ص ۲۸؛ اسنی المطالب، ج ۱، ص ۴۵۰.

المسائل: سيد على الطباطبائي (م. ١٢٣١ق.)، قم، النشر الاسلامي، ١٤١٢ق؛ **سفينة النجاة و مشكاة الهدى:** كاشف الغطاء (م. ١٣٤٤ق.)، نجف، مؤسسه كاشف الغطاء، ١٤٢٣ق؛ **سنن الترمذي:** الترمذي (م. ٢٧٩ق.)، به كوشش عبدالوهاب، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٢ق؛ **السنن الكبرى:** البيهقي (م. ٤٥٨ق.)، بيروت، دار الفكر؛ **شرائع الاسلام:** المحقق الحلي (م. ٧٦٦ق.)، به كوشش سيد صادق شيرازي، تهران، استقلال، ١٤٠٩ق؛ **الشرح الكبير:** عبدالرحمن بن قدامه (م. ٦٨٢ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية؛ **صحيح مسلم:** مسلم (م. ٢٦١ق.)، بيروت، دار الفكر؛ **صراط النجاه (المحشى):** ابوالقاسم خوئي (م. ١٤١٣ق.)، قم، نشر المنتخب، ١٤١٦ق؛ **العروة الوثقى:** سيد محمد كاظم يزدي (م. ١٣٣٧ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤٢٠ق؛ **الفتاوى الهندية:** لجنة علماء برئاسة نظام الدين البلخي، دار الفكر، ١٣١٠ق؛ **فتح العريز:** عبدالكريم بن محمد الرافعي (م. ٢٢٣ق.)، دار الفكر؛ **فقه الحج:** لطف الله صافي، قم، مؤسسه حضرت معصومه (ع)، ١٤٢٣ق؛ **فقه الصادق (ع):** سيد محمد صادق روحاني، قم، دار الكتاب، ١٤١٣ق؛ **قواعد الاحكام:** العلامة الحلي (م. ٧٢٦ق.)، قم، النشر الاسلامي، ١٤١٣ق؛ **كتاب الحج:** سيد حسن طباطبائي قمي (م. ١٤٢٨ق.)، قم، مطبعة باقري، ١٤١٥ق؛ **كشف المشكل من حديث الصحيحين:** عبدالرحمن بن علي الجوزي (م. ٥٩٧ق.)، به كوشش البواب، رياض، دار الوطن؛ **الكافي في فقه الامام احمد:** عبدالله بن قدامه (م. ٦٢٠ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٤ق؛ **كشف القناع:** منصور البهوتي (م. ١٠٥١ق.)، به كوشش محمد حسن، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق؛ **كشف اللثام:** الفاضل الهندي (م. ١٣٧ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤١٦ق؛ **كفاية**

شرح المنهاج: احمد بن حجر الهيتمي (م. ٩٧٤ق.)، بيروت، المكتبة التجارية الكبرى، ١٣٥٧ق؛ **تذكرة الفقهاء:** العلامة الحلي (م. ٧٢٦ق.)، قم، آل البيت (ع)، ١٤١٤ق؛ **تعاليق مبسولة على العروة الوثقى:** محمد اسحاق فياض، انتشارات محلاتي، تفصيل **الشريعة في شرح تحرير الوسيلة:** محمد فاضل موحدي لنكراني (م. ١٤٢٨ق.)، بيروت، دار التعارف، ١٤١٨ق؛ **التنقيح الرائع لمختصر الشرائع:** مقداد بن عبدالله السيوري (م. ٨٢٦ق.)، به كوشش عبداللطيف، قم، كتابخانه نجفي، ١٤٠٤ق؛ **توضيح المناسك:** محمد حسن مرتضوي (م. ١٤٢٦ق.)، قم، ١٤٢٣ق؛ **التهذيب في مناسك العمرة و الحج:** جواد بن علي تبريزي (م. ١٤٢٧ق.)؛ **جواهر الكلام:** النجفي (م. ١٢٦٦ق.)، به كوشش قوچاني و ديگران، بيروت، دار احياء التراث العربي؛ **حاشية رد المحتار على الدر المختار:** ابن عابدين، مودت، دار الفكر، ١٤٢١ق؛ **العاوي الكبير:** الماوردي (م. ٤٥٠ق.)، به كوشش علي محمد و عادل احمد، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٩ق؛ **الحج في الشريعة:** جعفر سبحاني، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ١٤٢٤ق؛ **الحدائق الناضرة:** يوسف البحراني (م. ١١٨٦ق.)، به كوشش آخوندي، قم، نشر اسلامي، ١٣٦٣ش؛ **الخلاف:** الطوسي (م. ٤٦٠ق.)، به كوشش خراساني و ديگران، قم، نشر اسلامي، ١٤٠٧ق؛ **الدروس الشرعية:** الشهيد الاول (م. ٧٨٦ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤١٢ق؛ **الذخيرة:** احمد بن ادريس القرافي، به كوشش حجي، بيروت، دار الغرب الاسلامي، ١٩٩٤م؛ **الروضة البهية:** الشهيد الثاني (م. ٩٦٥ق.)، به كوشش كلانتر، قم، داوري، ١٤١٠ق؛ **روضة الطالبين:** النووي (م. ٦٧٦ق.)، به كوشش عادل احمد و علي محمد، بيروت، دار الكتب العلمية؛ **رياض**

الاحکام (کفایة الفقه): محمد باقر السبزواری (م. ۱۰۹۰ ق.)، به کوشش الواعظی، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۲۳ ق؛ **کلمة التقوی (فتاوی):** محمد امین زین الدین، قم، مهر، ۱۴۱۳ ق؛ **لسان العرب:** ابن منظور (م. ۷۱۱ ق.)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق؛ **المبسوط فی فقه الامامیه:** الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، به کوشش بهیودی، تهران، المكتبة المرتضویه: **المبسوط:** السرخسی (م. ۴۸۳ ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق؛ **المجموع شرح المذهب:** النووی (م. ۶۷۶ ق.)، دار الفکر؛ **المختصر النافع:** المحقق الحلّی (م. ۴۷۶ ق.)، تهران، البعثة، ۱۴۱۰ ق؛ **مدارک العروه:** علی پناه اشتیاردی (م. ۱۴۲۹ ق.)، تهران، دار الاسوه، ۱۴۱۷ ق؛ **مدارک الاحکام:** سید محمد بن علی الموسوی العاملی (م. ۱۰۰۹ ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۰ ق؛ **المرتقی الی الفقه الارقی:** سید محمد حسین روحانی (م. ۱۴۱۸ ق.)، به کوشش سید عبدالصاحب، تهران، المؤسسة الثقافیة، ۱۴۱۹ ق؛ **مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام:** الشهید الثانی (م. ۹۶۵ ق.)، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۶ ق؛ **مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی:** میرزا محمد تقی آملی (م. ۱۳۹۱ ق.)، تهران، مؤلف، ۱۳۸۰ ش؛ **معتمد العروة الوثقی:** محاضرات الخوئی (م. ۱۴۱۳ ق.)، الخلیف، قم، مدرسة دار العلم، ۱۴۰۴ ق؛ **معجم مقاییس اللغة:** ابن فارس (م. ۳۹۵ ق.)، به کوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ ق؛ **المغنی:** عبدالله بن قدامه (م. ۲۰ ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه: **المقنعة:** المفید (م. ۴۱۳ ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ ق؛ **مناسک الحج:** ابوالقاسم خوئی (م. ۱۴۱۳ ق.)، قم، چاپخانه مهر، ۱۴۱۱ ق؛ **مناسک الحج:** سید موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسة الولاء للدراسات، ۱۴۲۱ ق؛ **مناسک حج:** سید علی سیستانی؛ **مناسک حج:**

محمد فاضل لنکرانی؛ **مناسک حج:** وحید خراسانی؛ **مناهج الاخیار فی شرح الاستبصار:** احمد علوی عاملی (م. ۱۰۶۰ ق.)، قم، اسماعیلیان؛ **مواهب الجلیل:** الحطاب الرعینی (م. ۹۵۴ ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق؛ **مذهب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام:** سید عبدالاعلی سبزواری (م. ۱۴۱۴ ق.)، قم؛ **المذهب البارع:** ابن فهد الحلّی (م. ۸۴۱ ق.)، به کوشش العراقی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۳ ق؛ **نهاية المحتاج الی شرح المنهاج:** محمد بن ابی العباس احمد (م. ۱۰۰۴ ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۴ ق؛ **النهاية:** الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ ق؛ **وسائل الشیعة:** الحر العاملی (م. ۱۰۰۴ ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۲ ق.

سید اصغر حسینی



استقسام ← ازلام

استیگر، ونیفرد: بانوی ساکن استرالیا،

مسافر حج در ۱۹۲۷ م. نگارنده کتاب

نواهای جاودانه (Always Bells)

ونیفرد استیگر (Winifred Stegar)^۱ یا استیگر

(Steger)^۲ (۱۸۸۲-۱۹۸۱ م.)^۳ بر پایه پاره‌ای

1. Australia's Muslim Cameleers: Pioneers of the Inland 1860s- 1930s.
2. The Washerwoman's Dream: The Extraordinary Life of Winifred Stegar.
3. Australia's Muslim Cameleers: Pioneers of the Inland 1860s- 1930s.